

# ملاقات بانوی سالخورده

فریدریش دورنمات

مترجم

حمید سمندریان

## نظری کوتاه به کارنامه‌ی «دورنمات»

۱۹۲۱: در پنجم ژانویه «فردریک (فریدریش) دورنمات» در «کنول فینگن» (از توابع «برن» پایتخت سوییس) متولد می‌شود. پدر او «راینهولد دورنمات»، کشیش پروتستان، و پدربزرگ او «اولریش دورنمات» سیاستمدار معروف و سراینده‌ی اشعار تند و انتقادی و «ساتیر» می‌باشد.

۱۹۴۱: شروع تحصیلات دورنمات در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در زوریخ و برن. دورنمات شروع به نقاشی می‌کند. مطالعاتی بر روی آریستوفان، کیرکه گارد، هیم، و بعدها بر روی کافکا.

۱۹۴۳: اولین تلاش‌های دورنمات در زمینه‌ی نویسنده‌گی: نمایشنامه‌ای که هرگز چاپ و اجرا نشد، به نام «کمدی» و قطعاتی به نام «شب کریسمس» و «مأمور شکنجه».

۱۹۴۵: اولین نوشته‌ی دورنمات به نام «پیرمرد» (داستان) در روزنامه‌ی معروف شهر برن «Der Bund» به چاپ می‌رسد. هم‌چنین: «تصویر سیزیفوس» و «مدیر تئاتر». در همین سال نمایشنامه‌ی «این نوشته شد» را شروع می‌کند.

- ۱۹۴۶: «این نوشته شد» را به پایان می‌رساند. هم‌چنین داستان‌های «تله»، «پیلاتوس» و نمایشنامه‌ی رادیویی «همزاد».
- ۱۹۴۷: دورنمات با «لوتی گایسلر» ازدواج می‌کند.
- ۱۹ آوریل همین سال: اولین اجرای «این نوشته شد» در تئاتر «شاورپیل هاوس» در شهر زوریخ. این نمایش با جنجال و عکس‌العمل شدید مردم روبه‌رو می‌شود.
- انتشار یک کتاب شامل نقاشی‌های دورنمات.
- نمایشنامه‌ی «کور» را می‌نویسد. هم‌چنین رمانی که بعداً، در سال ۱۹۵۲ قسمتی از آن به نام «شهر» منتشر می‌شود.
- ۱۹۴۸: اولین اجرای «کور» در تئاتر دولتی «بازل» و نوشتن نمایشنامه‌ی «رمولوس کبیر» و «اسکچ»‌هایی برای اجرا در کاباره.
- ۱۹۴۹: اولین اجرای «رمولوس کبیر» در تئاتر دولتی «بازل».
- در اکتبر همین سال نمایشنامه‌های دورنمات برای اولین بار در کشور آلمان به صحنه می‌رود. («رمولوس کبیر» در شهر «گوتینگن»)
- ۱۹۵۰: رمان «قاضی و جلاد او» و نمایشنامه‌ی «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی».
- ۱۹۵۱: رمان «سوءظن» و نمایشنامه‌ی رادیویی «دادخواست علیه سایه‌ی الاغ» و داستان «سگ».
- در همین سال دورنمات شروع به نقدنویسی می‌کند که در نشریه‌ی «Weltwoche» به چاپ می‌رسد.
- ۱۹۵۲: در ۱۶ مارس اولین اجرای «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» در «کامراشپیل» مونیخ.

- داستان‌های «تونل» و «آقای ایکس به مرخصی می‌رود» را می‌نویسد که به چاپ نرسیده است.
- در همین سال ۹ قطعه به نثر از دورنمات تحت عنوان «شهر» منتشر می‌شود.
- نمایشنامه‌های رادیویی «استرانیتسکی و قهرمان ملی» و «گفت‌وگوی شبانه با یک انسان منفور» را می‌نویسد.
- اولین اجرای نمایشنامه‌های دورنمات به زبان‌های خارجی: «این نوشته شد» در فرانسه.
- ۱۹۵۳: نمایشنامه‌ی «فرشته‌ای به بابل می‌آید» نوشته می‌شود و در «کامراشپیل» مونیخ اجرا می‌شود.
- ۱۹۵۴: نمایشنامه‌های رادیویی «هرکول و طویله‌ی اوجیاس» و «اقدامات وگا».
- کتاب معروف دورنمات به نام «مسائل تئاتر» منتشر می‌شود.
- دورنمات «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» را شخصاً در تئاتر دولتی شهر «برن» کارگردانی می‌کند.
- ۱۹۵۵: رمان «مرد یونانی در جست‌وجوی زن یونانی».
- نمایشنامه‌ی «ملاقات بانوی سالخورده».
- اولین اجرای «ملاقات بانوی سالخورده» در تئاتر زوریخ.
- ۱۹۵۶: نمایشنامه‌ی رادیویی «پنچری» (که بعدها به صورت داستان درآمد و هم‌چنین برای تلویزیون تنظیم شد: ۱۹۵۸ در ایتالیا و ۱۹۶۰ در آمریکا).
- نمایشنامه‌ی رادیویی «غروب روزهای آخر پاییز». (بعدها صحنه‌ای شد و در ۱۹۵۹ در «تئاتر رنسانس» در شهر برلین به روی صحنه آمد).